

انتخاب رئیس بهزیستی
در اتاق شیشه‌ای

رحمان دلوری

نایب‌رئیس شبکه ملی
تشکل‌های غیردولتی معاونان

دولت دکتر مسعود پزشکیان در اولین گام خود همانطور که وعده داده بود وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی را از طریق شورای مشورتی، در یک اتاق شیشه‌ای انتخاب و به مجلس معرفی کرد و در نهایت دکتر احمد میدری که از مقبولیت بسیار بالایی در جامعه مدنی و دانشگاهی برخوردار بود و توانسته بود حمایت کارشناسان و متخصصان، به‌ویژه نمایندگان جامعه هدف بهزیستی را در کارگروه انتخاب وزیر کسب کند، از مجلس رای اعتماد گرفت و او اکنون وزیر یکی از مهمترین وزارتخانه‌های کشور، هم از لحاظ تأثیرگذاری بر اقتصاد کشور و رفاه مردم و هم از نظر تأثیرگذاری بر کیفیت زندگی جامعه هدف بزرگ بهزیستی است. در حالی که استقبال جامعه از انتخاب میدری به‌عنوان وزیر رفاه بسیار مثبت بود، جامعه هدف بهزیستی به‌ویژه نمایندگان آنها در سازمان‌های مردمنهاد نیز استقبال بسیار خوبی از آن کردند و با توجه به نگاه متفاوت و ارزشمند این وزیر نسبت به افراد دارای معلولیت که در اولین دیدار ایشان از یکی از مراکز نگهداری معلولان بلافاصله پس از کسب رای اعتماد از مجلس نمود پیدا کرد، امیدواری‌های زیادی ایجاد کرد که این رویکرد عزتمندانانه وزیر به معلولان در نهایت زمینه‌ساز تحولی اساسی در وضعیت زندگی معلولان و خانواده‌های آنها شود. پرواضح است که اولین و مهمترین قدم برای اجرایی شدن رویکردها و برنامه‌های تحول آفرین وزارت رفاه در حوزه معلولان انتخاب یک رئیس توانمند و عملگرا در تراز فکری وزیر و همسوا با رویکردهای ایشان است. روال همیشگی در دولت‌های گذشته این بوده است که انتخاب معاونین وزرا و رؤسای سازمان‌های متبوع در پشت درهای بسته و تحت‌تأثیر لابی‌گری‌های آدم‌های ذی نفوذ اتفاق افتاده است و این موضوع در سازمان بهزیستی بر خلاف ماهیت آن که یک سازمان کاملاً تخصصی است با رویکرد غالب سیاسی

منجر به انتخاب رؤسایی شده است که کمترین سابقه، تخصص و ارتباط کاری را با این سازمان داشته‌اند. همین مسئله باعث شده که این مدیران بیشتر از آن که جایگاه خود را مدیون جامعه هدف که ولی‌نعمت اصلی سازمان بهزیستی هستند بدانند، مدیون افراد با نفوذ و لابی‌گران حرفه‌ای در راهروهای مجلس، دولت و وزارت رفاه ببینند و به همین دلیل هم ترجیح داده‌اند که برای حفظ جایگاه خود همین اقلیت لابی‌گر را راضی نگه دارند و کمتر به رضایتمندی جامعه هدف اهمیتی داده‌اند و شاید بتوان گفت نگاه از بالا به پایین این مدیران به جامعه هدف، ریشه در همین فرآیند معیوب انتخاب و انتصاب رئیس سازمان دارد؛ دستاورد مهمی که جناب میدری در همین ابتدای کار می‌تواند به‌نام خود ثبت و ماندگار کند این است که این قالب اشتباه را بشکند و طرحی نو دراندازد. ایشان با توجه به دانش و سابقه‌ای که در وزارت رفاه داشته‌اند، باید به خوبی فهمیده باشند که صرفاً با یک جامعه هدف مطیع و خنثی رویه‌ور نیستند. این جامعه در مسیر رویه‌رشد مطالبه‌گری خود در این سال‌ها به اوج بلوغ و دانیایی رسیده و جایگاه عزتمندان‌های پیدا کرده که بیش از گذشته برای خود احترام و ارزش قائل است و انتظار دارد که با او نیز به حد اکثر احترام رفتار کنند. این جامعه خود را نه یک خدمت‌گیرنده صرف، بلکه یک شریک اجتماعی و اصلی‌ترین سهامدار سازمان بهزیستی می‌داند و به این بینش رسیده که در انتخاب کسی که در رأس سازمان بهزیستی قرار می‌گیرد، باید نقش ایفا کند. در حال حاضر زمینه مناسبی برای این مشارکت فراگیر و مؤثر وجود ندارد. بنابراین در این شرایط خطیر و مهم تصمیم‌گیری وزیر محترم کار، تعاون و رفاه اجتماعی برای ریاست سازمان بهزیستی این مطالبه بحق از طرف عموم جامعه هدف بهزیستی وجود دارد که اولاً فرآیند گزینش و انتخاب رئیس سازمان بهزیستی کشور به‌صورت کاملاً شفاف و در یک اتاق شیشه‌ای صورت پذیرد و ثانیاً نمایندگان واقعی و نه گزینشی آنها در فرآیند انتخاب، مشارکتی فعال و مؤثر داشته باشند، ثالثاً شاخص‌های اصلی رئیس آینده سازمان شفاف شود؛ به‌گونه‌ای که انتخاب نهایتی وزیر محترم با همین شاخص‌ها قابل سنجش و راستی‌آزمایی باشد و مهمتر از همه اینکه، حق معرفی گزینه‌های پیشنهادی جامعه هدف برای ریاست سازمان بهزیستی نیز شخصاً توسط وزیر به رسمیت شناخته شود و در دستور کار قرار گیرد. نکته آخر این که، جناب وزیر توجه داشته باشند ملاک شناخت از جامعه هدف و سازمان بهزیستی لزوماً این نیست که گزینه ریاست حتماً از بدنه سازمان باشد، بلکه مهم این است که سوابق علمی و کاری ایشان باید نشان‌دهنده شناخت دقیق و تجربه کافی در برخورد با مسائل متبلا به بهزیستی باشد؛ خواه این گزینه از بدنه سازمان باشد، خواه خارج از آن.

شاغلان فقیر
تنها ماندند

نرخ خط فقر در تهران
دوبرابر حداقل دستمزد است

عکس: ستاره کاظمی/هم‌نشین

آسیب‌های
اجتماعی



ایران در زمینه فقر و نابرابری باید در نظر گرفته شود. به گفته او اولین آن، عدم قطعیت سیاسی است. از دیدگاه این جامعه‌شناس باید به این پرسش پاسخ داد که گشایش‌های محدود سیاسی بخشی از حکمرانی است یا باز هم مستعجل و ناپایدار خواهد بود: «آیا در این گشایش‌های محدود مشکلات نظام بانکی همچنان وجود دارد؟ آیا با وجود این شرایط می‌توان فقر را برطرف کرد؟»

از نگاه مقصود فرستخواه، دومین عدم قطعیت مربوط به حوزه دیپلماسی است و باید به این پرسش‌ها پاسخ داد که آیا نسبت ما با جهان همچنان در تنش‌های تلازم به‌سرمی‌برد یا نوعی از دیپلماسی که ریشه در سرمایه‌های اجتماعی و عقلانیت فرهنگی و اجتماعی دارد، احیا می‌شود؟ «در نشست قبلی گفته شد که در سال ۹۷ که دوره تحریم بود، پنج میلیون نفر به آمار زیر خط فقر افزایش پیدا کرد؛ یعنی وقتی تحریمی ایجاد می‌شود، جمعیت به‌صورت میلیونی به زیر خط فقر می‌روند. آقای پزشکیان اخیراً گزارشی داد که طبق آن ما به ۱۰۰ میلیارد دلار نیاز مبرم داریم، اما این را بدون ارتباط با دنیا چطور می‌توان تأمین کرد؟ سومین عدم قطعیت پیش روی ما هم اقتصادی است؛ آیا گتتمان توانمندسازی و حمایت را خواهیم داشت یا فقط در راستای رشد و خصوصی‌سازی حرکت می‌کنیم؟ ما می‌خواهیم تقسیم فقر کنیم یا رشد و توسعه قابلیت‌محور با نگاه حمایتی داشته‌باشیم؟»

فرستخواه آخرین بخش از عدم قطعیت پیش روی ایران را مربوط به مسائل اجتماعی دانست و گفت: «جامعه ما به‌طور مزمن درگیر فقر و نابرابری است. آیا جامعه در مقابل این مشکلات می‌تواند تاب‌آوری داشته باشد یا تب و تنج می‌کند و اعتراضات، شورش‌ها و باقی مشکلات آن را درگیر می‌کند؟»

فرستخواه آخرین بخش از عدم قطعیت پیش روی ایران را مربوط به مسائل اجتماعی دانست و گفت: «جامعه ما به‌طور مزمن درگیر فقر و نابرابری است. آیا جامعه در مقابل این مشکلات می‌تواند تاب‌آوری داشته باشد یا تب و تنج می‌کند و اعتراضات، شورش‌ها و باقی مشکلات آن را درگیر می‌کند؟»

فرستخواه آخرین بخش از عدم قطعیت پیش روی ایران را مربوط به مسائل اجتماعی دانست و گفت: «جامعه ما به‌طور مزمن درگیر فقر و نابرابری است. آیا جامعه در مقابل این مشکلات می‌تواند تاب‌آوری داشته باشد یا تب و تنج می‌کند و اعتراضات، شورش‌ها و باقی مشکلات آن را درگیر می‌کند؟»

فرستخواه آخرین بخش از عدم قطعیت پیش روی ایران را مربوط به مسائل اجتماعی دانست و گفت: «جامعه ما به‌طور مزمن درگیر فقر و نابرابری است. آیا جامعه در مقابل این مشکلات می‌تواند تاب‌آوری داشته باشد یا تب و تنج می‌کند و اعتراضات، شورش‌ها و باقی مشکلات آن را درگیر می‌کند؟»

سومین بخش این پیل به موضوع فقر گسترده در میان زنان سرپرست خانوار اشاره داشت که در نشست قبلی بخش‌هایی از آن مطرح شده بود؛ ایده‌ای که از سوی فرهاد اسماعیلی، پژوهشگر حقوق کار و تأمین اجتماعی، به بحث گذاشته و در این جلسه جزئیات بیشتری از آن اعلام شد. اسماعیلی اعلام کرد که طبق آمار، فقر تیزترین فقر زنان سرپرست خانوارند و وضعیت بسیار غرنجی در آینده خواهد داشت. زنانه‌شدن فقر هم پدیده فراگیری خواهد بود و ابعاد وسیع‌تری پیدا می‌کند: «سال ۱۳۸۳ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی تدوین شد که اهمیت بسیار زیادی داشت و برای اولین بار در این قانون، بحث توانمندسازی در نظام حقوقی مطرح می‌شود که تمرکز بیشتری بر مسئله خودکفایی و ارزشمندتر کردن فرهنگ کار و متقابلاً افزایش توانایی فردی دارد. در ادامه نیز قوانین مختلفی پیرو آن ایجاد شد. موارد



پیش‌بینی تغییر در دهک‌بندی فقر

سومین بخش این پیل به موضوع فقر گسترده در میان زنان سرپرست خانوار اشاره داشت که در نشست قبلی بخش‌هایی از آن مطرح شده بود؛ ایده‌ای که از سوی فرهاد اسماعیلی، پژوهشگر حقوق کار و تأمین اجتماعی، به بحث گذاشته و در این جلسه جزئیات بیشتری از آن اعلام شد. اسماعیلی اعلام کرد که طبق آمار، فقر تیزترین فقر زنان سرپرست خانوارند و وضعیت بسیار غرنجی در آینده خواهد داشت. زنانه‌شدن فقر هم پدیده فراگیری خواهد بود و ابعاد وسیع‌تری پیدا می‌کند: «سال ۱۳۸۳ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی تدوین شد که اهمیت بسیار زیادی داشت و برای اولین بار در این قانون، بحث توانمندسازی در نظام حقوقی مطرح می‌شود که تمرکز بیشتری بر مسئله خودکفایی و ارزشمندتر کردن فرهنگ کار و متقابلاً افزایش توانایی فردی دارد. در ادامه نیز قوانین مختلفی پیرو آن ایجاد شد. موارد

آخرین داده‌ها درباره میزان فقر در ایران تا سال ۱۴۰۱ به‌روز شده و مطالعه آن نشان می‌دهد یک سوم خانوارهای ایرانی حداقل به نوعی با خط فقر مطلق مواجه‌اند و ضریب جینی از مرز ۴۰ صدم گذشته و شاخص نابرابری درآمد در ایران هم ۵/۲۷ و در آموزش ۱/۳۷ است. اواخر مردادماه امسال نشست درباره آینده پژوهی فقر و نابرابری در ایران برگزار شد و بخشی از آخرین اطلاعات درباره این موضوع مطرح و آمارهایی درباره وضعیت فقر و رفاه در ایران، تأثیر سیاستگذاری انرژی بر حوزه فقر و نابرابری و زنانه‌تر شدن فقر مطرح شد. اطلاعاتی تکان دهنده که بخش دیگری از آن به تفصیل در بخش دوم این نشست و با حضور کارشناسانی مانند مقصود فرستخواه، جامعه‌شناس، آرمان ذاکری، جامعه‌شناس، فرهاد اسماعیلی، پژوهشگر حقوق کار و تأمین اجتماعی و زهرا کاویانی، به‌عنوان پژوهشگر اقتصادی اعلام شد و محور این نشست بررسی کلان‌روندهای مؤثر در آینده ایران بود.



سارا سبزی

خبرنگار گروه جامعه

آخرین داده‌ها درباره میزان فقر در ایران تا سال ۱۴۰۱ به‌روز شده و مطالعه آن نشان می‌دهد یک سوم خانوارهای ایرانی حداقل به نوعی با خط فقر مطلق مواجه‌اند و ضریب جینی از مرز ۴۰ صدم گذشته و شاخص نابرابری درآمد در ایران هم ۵/۲۷ و در آموزش ۱/۳۷ است. اواخر مردادماه امسال نشست درباره آینده پژوهی فقر و نابرابری در ایران برگزار شد و بخشی از آخرین اطلاعات درباره این موضوع مطرح و آمارهایی درباره وضعیت فقر و رفاه در ایران، تأثیر سیاستگذاری انرژی بر حوزه فقر و نابرابری و زنانه‌تر شدن فقر مطرح شد. اطلاعاتی تکان دهنده که بخش دیگری از آن به تفصیل در بخش دوم این نشست و با حضور کارشناسانی مانند مقصود فرستخواه، جامعه‌شناس، آرمان ذاکری، جامعه‌شناس، فرهاد اسماعیلی، پژوهشگر حقوق کار و تأمین اجتماعی و زهرا کاویانی، به‌عنوان پژوهشگر اقتصادی اعلام شد و محور این نشست بررسی کلان‌روندهای مؤثر در آینده ایران بود.

مقصود فرستخواه، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، در ابتدای این نشست از احتمالاتی برای آینده فقر و نابرابری در ایران و شش کلان‌روند و چهار عدم قطعیت گفت که بر شرایط آینده ایران مؤثر است. به گفته او اولین کلان‌روند، قرار گرفتن یک‌چهارم جمعیت ایران و نیمی از جمعیت سیستان و بلوچستان زیر خط فقر است: «این موضوع که در کشور استان‌های به‌شدت فقیر زده داریم کلان‌روند وحشتناکی محسوب می‌شود؛ استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی، آذربایجان غربی، هرمزگان... که به‌شدت با فقر درگیرند. کلان‌روند دوم مربوط به روند افزایش فقر است. فقر تصادفی رخ نداده است که طی چندسال بتوان آن را کنترل کرد. گفته شده است که از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲، حدود ۱۰ میلیون به آمار فقرا اضافه شده که آمار مهیبی است. نتیجه مطالعات دوستان این بود که فقیر شدن همگانی می‌شود؛ چون علاوه بر نداشتن رشد اقتصادی، نرخ تورم بالایی هم داریم و این بیماری‌های مزمن اقتصادی باعث می‌شود فقر همگانی شود.» فرستخواه کلان‌روند سوم را زنانه‌شدن فقر در سال‌های اخیر معرفی کرد. او با استناد به یکی از گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرد که دهک‌های یک تا سه جامعه مطلقاً دیگر نمی‌توانند مسکن تهیه کنند: «از طرف دیگر دهک‌های سه تا پنج هم به میزان قابل توجهی نمی‌توانند مسکن تهیه کنند؛ یعنی پنج، شش دهک در ایران از بازار مسکن اخراج شده‌اند.»

این جامعه‌شناس در ادامه از چهارمین کلان‌روند هم نام برد که به اعتقاد او مربوط به اشکال مختلف نابرابری است که به‌خصوص در استان‌های مرزی و محروم به خوبی دیده می‌شود: «پنجمین کلان‌روند هم مربوط به فقر قابلیت است؛ مثل فقر فرهنگی، اجتماعی و آموزشی. در مناطق محروم نابرابری‌های وحشتناک و اساسی در امکان‌های یادگیری وجود دارد. آخرین کلان‌روند هم مربوط به خصوصی‌سازی نهادهای عمومی است. چطور ممکن است تأمین کالاهای عمومی مانند آموزش و سلامت که وظیفه دولت است، برعهده خانواده‌ها و دست‌نماری بازار قرار داده شود؟»

فرستخواه در ادامه، چهار شرایط عدم قطعیت سیاسی، اجتماعی، دیپلماسی و اقتصادی ایران را مطرح کرد که در آینده

مقصود فرستخواه، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، در ابتدای این نشست از احتمالاتی برای آینده فقر و نابرابری در ایران و شش کلان‌روند و چهار عدم قطعیت گفت که بر شرایط آینده ایران مؤثر است. به گفته او اولین کلان‌روند، قرار گرفتن یک‌چهارم جمعیت ایران و نیمی از جمعیت سیستان و بلوچستان زیر خط فقر است: «این موضوع که در کشور استان‌های به‌شدت فقیر زده داریم کلان‌روند وحشتناکی محسوب می‌شود؛ استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی، آذربایجان غربی، هرمزگان... که به‌شدت با فقر درگیرند. کلان‌روند دوم مربوط به روند افزایش فقر است. فقر تصادفی رخ نداده است که طی چندسال بتوان آن را کنترل کرد. گفته شده است که از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲، حدود ۱۰ میلیون به آمار فقرا اضافه شده که آمار مهیبی است. نتیجه مطالعات دوستان این بود که فقیر شدن همگانی می‌شود؛ چون علاوه بر نداشتن رشد اقتصادی، نرخ تورم بالایی هم داریم و این بیماری‌های مزمن اقتصادی باعث می‌شود فقر همگانی شود.» فرستخواه کلان‌روند سوم را زنانه‌شدن فقر در سال‌های اخیر معرفی کرد. او با استناد به یکی از گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرد که دهک‌های یک تا سه جامعه مطلقاً دیگر نمی‌توانند مسکن تهیه کنند: «از طرف دیگر دهک‌های سه تا پنج هم به میزان قابل توجهی نمی‌توانند مسکن تهیه کنند؛ یعنی پنج، شش دهک در ایران از بازار مسکن اخراج شده‌اند.»

این جامعه‌شناس در ادامه از چهارمین کلان‌روند هم نام برد که به اعتقاد او مربوط به اشکال مختلف نابرابری است که به‌خصوص در استان‌های مرزی و محروم به خوبی دیده می‌شود: «پنجمین کلان‌روند هم مربوط به فقر قابلیت است؛ مثل فقر فرهنگی، اجتماعی و آموزشی. در مناطق محروم نابرابری‌های وحشتناک و اساسی در امکان‌های یادگیری وجود دارد. آخرین کلان‌روند هم مربوط به خصوصی‌سازی نهادهای عمومی است. چطور ممکن است تأمین کالاهای عمومی مانند آموزش و سلامت که وظیفه دولت است، برعهده خانواده‌ها و دست‌نماری بازار قرار داده شود؟»

فرستخواه در ادامه، چهار شرایط عدم قطعیت سیاسی، اجتماعی، دیپلماسی و اقتصادی ایران را مطرح کرد که در آینده